



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

فائل ، کلبه قوانین معربه و مقررات - گزارش کمیسیونها - صورت مشروح مذاکرات مجلسین - اخبار مجلس - انتصابات - آگهیهای رسمی و قانونی

شماره ۲۱۴۵

شنبه ۸ تیر ماه ۱۳۳۷

سال هشتم

شماره مسلسل ۱۲

دوره هفدهم مجله شورای ملی

مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۱۲

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز شنبه بیست و نهم
خرداد ماه ۱۳۳۱

فهرست مطالب :

- ۱- تصویب صورت مجلس.
- ۲- بقیه مذاکره در گزارش کمیسیون تحقیق راجع به اعتبارنامه آقای حائریزاده و تصویب آن
- ۳- استرداد آقای شهاب خسروانی مخالف خود را بنمایندگی آقای کریمی و اعلام تصویب آن
- ۴- اعلام تصویب نمایندگی آقای دکتر بقائی از طهران پس از استرداد مخالف آقای میراشرفی
- ۵- طرح گزارش کمیسیون تحقیق راجع به نمایندگی آقای رفیع از طوالش و تصویب آن
- ۶- تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس ساعت ده و چهار دقیقه صبح بریاست آقای اورنگ تشکیل گردید

۱- تصویب صورت مجلس

رئیس - صورت غائبین به عرض میرسد
(شرح زیر قرائت شد)
غائب با اجازه - آقای امام جمعه تهران
غائبین بی اجازه - آقایان - حاج سید ابوالقاسم کاشانی - دکتر حسین فاطمی محمد علی دادور - دکتر سنجابی - مهندس حسینی - دکتر شایگان - سید باقر جلالی موسوی
رئیس - در صورت جلسه صحبتی

دارید آقای مکی ؟

مکی - راجع به غیبت آقای دکتر حسین فاطمی خواستم توجه هیئت محترم رئیسه را جلب بکنم که ایشان مریض هستند و چنانچه رادیو هم خبر داد ایشان دو سه روز است که عمل کرده اند و برای معالجه رفته اند از این جهت غائب بسی اجازه نیستند
رئیس - مرقوم بفرمائید اجازه داده میشود تصحیح میشود . آقای حائریزاده در صورت مجلس نظری دارید ؟
حائریزاده - یک جملاتی در قسمت مذاکرات بنده تطبیق نمی کرد و دارد تند

نویسی هم البته تقصیری نداشته چون من یاداشتهایی نداشتم و بدون یادداشت صحبت میکردم این را تصحیح میکنم میدهم بداره تند نویسی که تصحیح شود

رئیس - بسیار خوب. آقای خسرو قشقائی
خسرو قشقائی - آقای کزازی قضا یای مهمی راجع بفارس هست که بنده میخواهم عرض کنم چون خیلی فوریت دارد
رئیس - قبل از تصویب صورت مجلس ؟

خسرو قشقائی - بله
رئیس - بگذارید صورت مجلس تصویب شود بعد بفرمائید
ناصر ذوالفقاری - بعد هم نمیشود مطابق آئین نامه
رئیس - در صورت مجلس مقطوعاً نمیشود

خسرو قشقائی - لازم است آقای **رئیس** - در صورت مجلس نظری نیست دیگر ؟ (اظهاری نشد)
صورت مجلس تصویب شد. آقای حائریزاده

۲- بقیه مذاکره در گزارش کمیسیون تحقیق راجع به اعتبارنامه آقای حائریزاده و تصویب آن

حائریزاده - من در سرسرا که بودم بعضی از رفقا با من صحبت کردند که ممکن است صحبت طولانی بشود و بعضی اعتبار نامه های دیگری هست که میخواهند استرداد بکنند و حرف و صحبتی ندارد اول آن کار انجام شود بعد بنده صحبت کنم کفتم اگر رفقا توافق کردند انستد برای استرداد بنده بعد صحبت میکنم و اصراری ندارم
نبوی - اگر استرداد کرده اند بهتر است اول آنها خوانده شود
رئیس - هنوز به بنده نرسیده است

هر آن که برسد بنده اعلام میدارم
حائریزاده - بنده خیلی مختصر میکنم عرایض خود را احتمال میدهم که یک ساعت هم نشود یک یادداشت هائی فی رست مانده نوشتم و در ظرف چند روز هم یکمشت تذکرات و کاغذهائی رسیده است که ابراز احساسات شده و بعلاوه یک اطلاعاتی راجع بجناب آقای فرامرزی رسیده است که بنده نتوانستم باور کنم و در عین حال یک قسمت هائی از آن را برای آقایان ضمن عرض مطالبی میخوانم

لاحیاء فی الدین
در امور عمومی محافظه کاری خطاست تمام دوستان من می گویند که فرامرزی را همه می شناسند شخصی است مادی و از حقیقت بهره و نصیبی ندارد دلیل بد اخلاقی و بوقلمون صفتی فرامرزی همین بس که خود او در یک جلسه موفقیت انتخابات ورامین را مدیون مساعدت و کمک مکی میدانند و در همین مجلس دوروز بعد حق مکی را کف دستش می گذارد از چنین شخص بی مسلک چه توقع دارید و اگر مخالفت با اعتبارنامه او نشده بود هر گز این مطالب چرند را نمیگفت .

من تصدیق دارم که حقیقت همین است ولی چون برای مبارزه با فساد مصمم شده مجبورم آنچه صلاح است بگویم مردم خوب تشخیص میدهند و از روزیکه با اعتبارنامه آقای فرامرزی مخالفت کردم تا بحال علاوه بر ابراز احساسات حضوری و تلفنی مکاتیب و تذکراتی که بعضی از آنها را تقدیم مقام ریاست می کنم بمن رسیده است و عقیده ندارم در مسائل عمومی محافظه کاری بشود و صدی عشق از برای مملکت ما در نتیجه سکوت و

و تألیف رسیده اند خرجشان بهمه رفقا است و رفقا هم ازیرکت وجود ایشان بانجام معانات بزرگ واقعاتی کلان و ریاست نائل میشوند.

مجلس است فرامیزی توضیح دهد پول های زیادی که در همین دوره انتخابات پریشان شرح کرده اند از کجا آمده ؟ آیا این وجوه را برای صواب و اجر آخرت مصرف رسانیده اند؟

جواب این معلوم است چون فرامیزی مردی معامله گرو اهل حساب است از این دست مبدهند و از آن دست میستند آنها که در امر قاچاق و سوءاستفاده مورد کمک و پشتیبان فرامیزی هستند گذشته از آنکه کلاه معانی بر سر ذیقدرش میگذارند در موقع لزوم مخارج دیگر منجمله تطبیع در انتخابات برای ایشان انجام میدهند.

در این مقاله سخن را کوتاه میکنم و دیگر لازم نمیدانم که ادعا های دروغ این مرد بزرگوار را از نود اینجام شرح کنم فقط بقرائت قسمتی از یکی از تلگرافات واصله و مکتوبی که بایست شهری برام فرستاده اند اکتفا میکنم.

آنها را تقدیم میکنم بتمام ریاست یکی دو قسمتش را هم قرائت میکنم شخصی از لار - بتاریخ ۲۵ بهمن ماه تلگراف بین میکند مینویسد دعوی فرامیزی که من رئیس قوم لاف در غربی است او آخوند مکتبی است پسر آخوند مکتبی در کوره بنام کجوه در سنوات قبل با برادرانش بشراوت و قتل نفس و راه زنی قیام کردند تعقیب شدند به بحرین فرار کردند در آنجا هم مشغول تسلیم اطفال بود تا مورد الطاف مقامات آنجا واقع و به تهران اعزام گردید در پی سواد او همین قدر پس که در علوم جدید تصدیق کلاس شش ندارد و در علوم قدیم یک شعر سیوطی نمیتواند ترکیب و معنی کند ایداری او در - لارستان هنوز بتاکت او خواری و طلا به خارج صادر و در مقابل قاچاق وارد میکنند دودنر بازرس بفرستید تا نام این دعوی را اثبات نماید امضا کرده آدرس مجلس را هم داده است (یکی از نمایندگان - آدرس کجاست ؟) نعمت الله ادیبی لار بازرمانه ابوطالب نوکلی آدرس مجلس را هم داده بازرس بفرستید تعقیب کنید این گزارش را هم حبیب الله اسلامیان مینویسد میده من چون صاحبش را نمیشناسم بایست شهری این را برای من آورده اند اگر این تلگراف نیامده بود من این را باره میکردم میربختم در - کوجه ولی این مشروح تر همان مطالب را از تهران مینویسد

« زندگی ملا عبدالرحمن فرامیزی سه قسمت تقسیم میشود : قبل از رفتن به بحرین - قزاق به بحرین - بازگشت به تهران قسمت اول مال محل تولد و این چیزها است محل تولد

ملا هکده کجوه تا به قریه فرامرز از توابع دهستان بستک که جزء بخش لار می باشد جمعیت دهه هکده کجوه حدود پنجاه نفر از بزرگ و کوچک و بدو دسته تقسیم می شوند دسته ملاماودسته گناها (یعنی دیوانگان) بین این دو دسته همیشه خصومت برقرار بوده که اغلب اوقات منجر بقتل یکدیگر می شوند و رو به گرفته هر دو دسته در خیانت دست کمی از یکدیگر ندارند امرام معاش آن ها از طریق سرقت و راهزنی بوده و با این که تفنگچی قاچاقچیان میباشد که در نتیجه تعقیب حکومت بستک عبدالرحمن فرار به بحرین نموده و با کمال تأسف ملای پشت هم انداز در مجلس شورای ملی با کمال وقاحت خود را رئیس ایل میخواند و نمایندگان - محترم هم چون از سوابق او اطلاعی ندارند باور میکنند که با شرح این مقدمه اجازه می خواهم شرح زندگی ایشان را باز در مقدمه دیگر عرض نمایم « بعدیک شرحی از رفتن او به بحرین و قیام شیخ نوشته تا میرسد باینکه در دهستان ۳۳ هجری مجدداً بواسطه ضعف حکومت مرکزی ایداری مذکور بخیال تجزیه خلیج فارس در آمدند ابتدا در زمان حکومت موقرالذوله تصرف مجلس مستر یوسن فونسل انگلیس مصباح دیوان اوزی پدر دکتتر مصباح زاده فعلی که در کرمان بود بعیاسی طلبیده و بادستورانی بندر لنگه فرستاده بود و بندر لنگه با مرحوم کهن دلخان اعتماد نظام این عمل خائنه را قبول نمود لذا او را از کار برکنار کردند مصباح دیوان از لنگه بستک عزیتم نمود با مرحوم محمد تقی خان حکومت بستک وارد مذاکره و حکومت بندر لنگه را جهت پسرش محمد رضاخان بوی پیشنهاد کرد » شرحش طولانی است که من نمیخواهم وقت آقایان را با خواباندن تمام آن مشغول کنم تا میرسد قسمت آخر که میگوید « محمد تقی خان حکومت بستک چون این اغتشاش و ناامنی رامشاهده نمود بانددیر عاقلانه ای دستور - بشیخ مقام که از جانب حکومت بستک بود داده که بالشرا از در دوستی در آمده پس از آوردن آنها بقلعه آنها را گرفتار نماید لذا این نقشه عملی و ملا عبدالرحمن و ملا - احمد و ملا ابوطالب نامی را گرفته دست بسته نزد محمد تقی خان گسیل داشت محمد تقی خان آنها را زندانی نموده و در زندان بواسطه اشخاص مخصوص با تطبیع زندانیان از زندان فرار نموده و از طریق گاو بندی با مساعدت شیخ گاو بندی که از انگلیسها دستور داشت که بهر قیمتی شده آنها را به بحرین روانه نماید » باز شرحی نوشته تا میرسد بقسمت اخیرش که مینویسد « قبل از وقت در بستک صادر و در دست حکومت بستک بود در مراجعت بطهران از این حکم

است ؟
آیا میشود فکر کرد که کسی در دنیا آفتقدراحمق باشد که وقتی خواست زنجیر های اسارت یک قرارداد استعماری را باره کند برای اخذ تصمیم برود از خود مستعمره چی ها بپرسد که آیا مصلحت است من زنجیرهای اسارت را باره کنم یا نه؟

جز جاسوسی جز وطن فروشی غیر نوکری اجنبی و دنائت و خیانت بناموس مملکت چه اسمی میشود براعتراقات فرامیزی در کمیسیون نفت گذاشت؟
بخدا قسم که اگر در این مملکت حکومت قانون مستقر بود فرامیزی را بدون هیچ نوع محاکمه ای اعدام می کردند.

زیرا معا که برای اینست که صحت و سقم ارتکاب جرم مشخص بشود وقتی مقصر و جاسوسی معترف بخیان خودش میباشد باید بلا تامل و بدون چون و چرا مجازات را درباره او اجرا کرد

من تمام گناهان فرامیزی را بروی می بخشم تلون و خود فروشی و نوکری پلین، شرکت در قاچاق و همه این ها را می توان غرض عین کرد ولی چطور ممکن است یک جاسوس مشخص و معترف بجاسوسی رادر شد من وقتی گفتم فرامیزی مزدور دیگران است مقصودم صرفاً نهمت و لجن زدن بسر صورت او که با هیچ آبی پاک نمی شود نبود من اعتراضات صریح او را در کمیسیون نفت پیش چشمش گذاشتم این کتاب کمیسیون نفت است حرفهای او را تکرار کردم که در کمال بیشرمی گفته بود برای اخذ تصمیم در باب قرارداد منحوس ساعد و کس از خود انگلیسها اجازه گرفته است .

اگر این جاسوسی نیست پس جاسوسی کدام است ؟ (فرامیزی - جاسوسی آن است که شامی کنید) باین جاسوسی میکنم بیجانی و بی شرمی آیا آن نیست که سال گذشته در چنین ایامی شخصی در پشت همین تریبون با آن همه حرارت و شدت بر علیه استعمار و نفت نطقهای آتشین کند و آنوقت بیست قدم آنطرف تر در اطاق کمیسیون نفت در کمال بی ملاحظه گی بگوید که با خود آدمهای کمیانی تماس گرفتم و مذاکره کردم و آنها چنین و چنان فرمودند و اینطور صلاح دیدند

نام چنین کسی جز بیجیا و خائن چه می تواند باشد ؟ بی غیرت ترین ایرانی ها حاضر نمی شوند که برای دفاع از حقوق ملی و حفظ آن بروند و از انگلیسها کسب دستور میکنند مگر آنکه نوکر و جیره خوار آنها باشند کدام موجود زنده ای برای باز کردن بندهای زنجیر اسارت از دست و پوی خودش با زندانیان مشورت کرده است کدام اسپر مظلومی برای فرار از دست دژخیم با خود او مصلحت اندیشی کرده

است ؟
آیا میشود فکر کرد که کسی در دنیا آفتقدراحمق باشد که وقتی خواست زنجیر های اسارت یک قرارداد استعماری را باره کند برای اخذ تصمیم برود از خود مستعمره چی ها بپرسد که آیا مصلحت است من زنجیرهای اسارت را باره کنم یا نه؟

جز جاسوسی جز وطن فروشی غیر نوکری اجنبی و دنائت و خیانت بناموس مملکت چه اسمی میشود براعتراقات فرامیزی در کمیسیون نفت گذاشت؟
بخدا قسم که اگر در این مملکت حکومت قانون مستقر بود فرامیزی را بدون هیچ نوع محاکمه ای اعدام می کردند.

زیرا معا که برای اینست که صحت و سقم ارتکاب جرم مشخص بشود وقتی مقصر و جاسوسی معترف بخیان خودش میباشد باید بلا تامل و بدون چون و چرا مجازات را درباره او اجرا کرد

چون واقعاً اینها نسبت به صفات موجود ایشان صفات برجسته است . یکی دوسه تا نامه بمن رسیده خواهش کرده اند که آقا کوتاه بیایید و مجلس را متشنج نکنید (صحیح است) البته هر آدم عاقلی اینطور فکرمی - کند هر آدم وطن پرستی اینطور فکر میکند مجلس ، اداره ، مزرعه ، کارخانه ، کارگر همه باید کارشان را بکنند ولی جاسوس همه جا متشنج میکند و تهبیح میکند که کاری از پیش نرود البته کار خیلی زشتی است اما ملت ایران باید قضاوت بکند که کیست که اینکار را میکند ؟ کیست که متشنج میکند ؟ کیست که اساساً موجب خرابی میشود ؟ و هیچ نمی گذارد یک قدم رو با بادی برداشته شود کیست که این بساط را درست کرده است در توی این مجلس . ملت ایران باید قضاوت بکند . مخالفین دولت به مجلس چیز - هایی میگویند ، کار بکاتور ها می کشند ، حملاتی میکنند که بعضی از آنها حقیقتاً گفتش ، دیدنش موجب - جلالت است ولی اینها مخالف دولتند این ها میخوانند بگویند که این مجلس اگر پشتیبانی از دولت بکنند مجلس ساختگی است و آن دولت هم عملی که کرده است همه اش جنایت و دخالت در انتخابات و ساختن و کلابود اما عجیب است که موافقین دولت هم این کار را بکنند و مجلس را بدنام میکنند و بخوانند این مجلس را تضعیف بکنند اگر مقصود از این کارها این است که بگویند این مجلس ، مجلسی که یک دولتی که یک ملت پشت سرش بوده است یک ملت آن دولت را آورده مجلسی را که آن دولت انتخاب کرده است باز این مجلس هم قلابی و ساختگی و دروغ است من تصور میکنم مجلس حاضر نباشد زیرا این بار برود و آن روزی که نگوییم این حرف را آن روز کی است . آقای حائری زاده البته ایشان مرد خیلی شریفی هستند کارهایشان همه اش درست است و آرزو اینجاست من را تهدید کردند که موکلین ایشان جواب من را خواهند داد من از اینجا که میرفتم دهم در مجلس دوتا چاقو کش بمن اهانت کردند و بمن حمله کردند معلوم می شود که موکلین ایشان همین دو چاقو کش هستند .

آقای حائری زاده - هنوز موکلین من خدمت شما نرسیده اند .
فرامیزی - ولی چون من معتقدم اگر مردم بخوانند مبارزه میکنند باید یک مبدائی باشد که بفرماید برای چی دارند مبارزه میکنند و الا هیچ مانعی ندارد یعنی موکلینی هم ما پیدا کنیم که این کارها را بکنند سوابق من آقایان نمایندگان از سی سال با نظرف در این مملکت معلوم است در وزارت فرهنگ معلوم است در وزارت خارجه معلوم است در مضبوطات معلوم است این تهمت هایی که ایشان زدند از تشکیل دادن بمن تهمتهائی زدند همینطور که ایشان هم بمن تهمت راهزنی زدند تهمت آدم کشی زدند آنها هم اسناد

چون واقعاً اینها نسبت به صفات موجود ایشان صفات برجسته است . یکی دوسه تا نامه بمن رسیده خواهش کرده اند که آقا کوتاه بیایید و مجلس را متشنج نکنید (صحیح است) البته هر آدم عاقلی اینطور فکرمی - کند هر آدم وطن پرستی اینطور فکر میکند مجلس ، اداره ، مزرعه ، کارخانه ، کارگر همه باید کارشان را بکنند ولی جاسوس همه جا متشنج میکند و تهبیح میکند که کاری از پیش نرود البته کار خیلی زشتی است اما ملت ایران باید قضاوت بکند که کیست که اینکار را میکند ؟ کیست که متشنج میکند ؟ کیست که اساساً موجب خرابی میشود ؟ و هیچ نمی گذارد یک قدم رو با بادی برداشته شود کیست که این بساط را درست کرده است در توی این مجلس . ملت ایران باید قضاوت بکند . مخالفین دولت به مجلس چیز - هایی میگویند ، کار بکاتور ها می کشند ، حملاتی میکنند که بعضی از آنها حقیقتاً گفتش ، دیدنش موجب - جلالت است ولی اینها مخالف دولتند این ها میخوانند بگویند که این مجلس اگر پشتیبانی از دولت بکنند مجلس ساختگی است و آن دولت هم عملی که کرده است همه اش جنایت و دخالت در انتخابات و ساختن و کلابود اما عجیب است که موافقین دولت هم این کار را بکنند و مجلس را بدنام میکنند و بخوانند این مجلس را تضعیف بکنند اگر مقصود از این کارها این است که بگویند این مجلس ، مجلسی که یک دولتی که یک ملت پشت سرش بوده است یک ملت آن دولت را آورده مجلسی را که آن دولت انتخاب کرده است باز این مجلس هم قلابی و ساختگی و دروغ است من تصور میکنم مجلس حاضر نباشد زیرا این بار برود و آن روزی که نگوییم این حرف را آن روز کی است . آقای حائری زاده البته ایشان مرد خیلی شریفی هستند کارهایشان همه اش درست است و آرزو اینجاست من را تهدید کردند که موکلین ایشان جواب من را خواهند داد من از اینجا که میرفتم دهم در مجلس دوتا چاقو کش بمن اهانت کردند و بمن حمله کردند معلوم می شود که موکلین ایشان همین دو چاقو کش هستند .

آقای حائری زاده - هنوز موکلین من خدمت شما نرسیده اند .
فرامیزی - ولی چون من معتقدم اگر مردم بخوانند مبارزه میکنند باید یک مبدائی باشد که بفرماید برای چی دارند مبارزه میکنند و الا هیچ مانعی ندارد یعنی موکلینی هم ما پیدا کنیم که این کارها را بکنند سوابق من آقایان نمایندگان از سی سال با نظرف در این مملکت معلوم است در وزارت فرهنگ معلوم است در وزارت خارجه معلوم است در مضبوطات معلوم است این تهمت هایی که ایشان زدند از تشکیل دادن بمن تهمتهائی زدند همینطور که ایشان هم بمن تهمت راهزنی زدند تهمت آدم کشی زدند آنها هم اسناد

چون واقعاً اینها نسبت به صفات موجود ایشان صفات برجسته است . یکی دوسه تا نامه بمن رسیده خواهش کرده اند که آقا کوتاه بیایید و مجلس را متشنج نکنید (صحیح است) البته هر آدم عاقلی اینطور فکرمی - کند هر آدم وطن پرستی اینطور فکر میکند مجلس ، اداره ، مزرعه ، کارخانه ، کارگر همه باید کارشان را بکنند ولی جاسوس همه جا متشنج میکند و تهبیح میکند که کاری از پیش نرود البته کار خیلی زشتی است اما ملت ایران باید قضاوت بکند که کیست که اینکار را میکند ؟ کیست که متشنج میکند ؟ کیست که اساساً موجب خرابی میشود ؟ و هیچ نمی گذارد یک قدم رو با بادی برداشته شود کیست که این بساط را درست کرده است در توی این مجلس . ملت ایران باید قضاوت بکند . مخالفین دولت به مجلس چیز - هایی میگویند ، کار بکاتور ها می کشند ، حملاتی میکنند که بعضی از آنها حقیقتاً گفتش ، دیدنش موجب - جلالت است ولی اینها مخالف دولتند این ها میخوانند بگویند که این مجلس اگر پشتیبانی از دولت بکنند مجلس ساختگی است و آن دولت هم عملی که کرده است همه اش جنایت و دخالت در انتخابات و ساختن و کلابود اما عجیب است که موافقین دولت هم این کار را بکنند و مجلس را بدنام میکنند و بخوانند این مجلس را تضعیف بکنند اگر مقصود از این کارها این است که بگویند این مجلس ، مجلسی که یک دولتی که یک ملت پشت سرش بوده است یک ملت آن دولت را آورده مجلسی را که آن دولت انتخاب کرده است باز این مجلس هم قلابی و ساختگی و دروغ است من تصور میکنم مجلس حاضر نباشد زیرا این بار برود و آن روزی که نگوییم این حرف را آن روز کی است . آقای حائری زاده البته ایشان مرد خیلی شریفی هستند کارهایشان همه اش درست است و آرزو اینجاست من را تهدید کردند که موکلین ایشان جواب من را خواهند داد من از اینجا که میرفتم دهم در مجلس دوتا چاقو کش بمن اهانت کردند و بمن حمله کردند معلوم می شود که موکلین ایشان همین دو چاقو کش هستند .

آقای حائری زاده - هنوز موکلین من خدمت شما نرسیده اند .
فرامیزی - ولی چون من معتقدم اگر مردم بخوانند مبارزه میکنند باید یک مبدائی باشد که بفرماید برای چی دارند مبارزه میکنند و الا هیچ مانعی ندارد یعنی موکلینی هم ما پیدا کنیم که این کارها را بکنند سوابق من آقایان نمایندگان از سی سال با نظرف در این مملکت معلوم است در وزارت فرهنگ معلوم است در وزارت خارجه معلوم است در مضبوطات معلوم است این تهمت هایی که ایشان زدند از تشکیل دادن بمن تهمتهائی زدند همینطور که ایشان هم بمن تهمت راهزنی زدند تهمت آدم کشی زدند آنها هم اسناد

برای بعد از دستور (اما خدا نمی‌تواند در دنیا خداوند نگهدارد و دنیاحق است در دنیا خداوند نگهدارد و مومن میدارد آن که آنی را که مطابق میل او برده اورد و رفتار کنند و التین جاهد و فتنه بدهیم سبنا آیه قرآن است خداوند اشخاصی را که در راه حق قدم بگذارند مرفق میدارد تهمت تهمت زنها هیچ اثری ندارد فقط آنها یک نتیجه میبرند و همان است که خود خداوند تبارک و تعالی در قرآن فرموده ان الذین یحبون ان ینتفع الفاحشه فی التین آمنوا لهم عذاب الیم آنهایکه دلشان میخواهد فحشاء و تهمت و افترا و بد نامی در میان مسلمانان جاری بکنند آنها فقط یک نتیجه میگیرند و آن عذاب خداست خداوند واجب الوجود است یعنی باید باشد برای تنبیه اعمال بداند ایشان که نتوانند افرادی را متهم کنند آن روزیکه ما عضو کمیسیون نفت بودیم این شکایت است که انگلیسها با اعمال ایرانی‌شان که الان هم در شرکت نفت هستند با همه اعضای کمیسیون تماس می گرفتند دلایل می آوردند ارقام می آوردند منتهی بعضیها مخلص بودند و توجه میکردند بعضیها حق می بودند شاید نمیگفتند یا عاقلتر بودند و نمی گفتند من چرا نباید بگیرم که اینها آمدند برای من رقم دادند مگر من میخواستم بمملکت خیانت بکنم؟ مگر ما میخواستیم یک تصمیم کوچکی بگیریم ما میخواستیم راجع بپرز گترین عایه مملکتان بزرگترین تصمیم را بگیریم میبایست بگیریم میبایست در کنیم میبایست استدلال کنیم میبایست تحقیق کنیم اگر جاسوس بودیم که مثل تو قیام نمیکردیم من اگر مخلص نبودم چه داعی داشتم که بگیرم من اگر جاسوس بودم دلزمغنی نمیخواستیم من که تقاضای سی هزار لیره نگرفته بودم من چرا قیام کنم (خسرو قشقائی - هیچکس تقاضای لیره نگرفته بود)

رئیس - آقای فرامرزی کافی است وقت شما تمام شد باید اجازه بگیرد

فرامرزی - اجازه بدهید من حرفهای خودم را بزنم بمن خیلی تهمت زد

بعضی از نمایندگان - صرف نظر بفرمائید

فرامرزی - آقایان در صفحه یادداشت کردم حرفهای او را فقط قسمتی از آن را جواب دادم

ناظرزاده - استدعا میکنم که فرمائید

فرامرزی - اطاعت میکنم

رئیس - مختصر تذکری مطابق ماده ۹۰ آقای زهری دارند بفرمائید بعد رأی می گیریم همانجا هم ممکن است بفرمائید

زهری - صدای بنده نمیرسد می آیم پشت تریبون تهنیتی بمن زده اند باید جواب بدهم بنده بدون اینکه وارد مذاکرات

۳- استرداد آقای شهاب خسروانی مخالفت خود را با نمایندگی آقای کریمی و اعلام تصویب آن

رئیس - اعتبارنامه آقای کریمی مطرح است آقای خسرو قشقائی **رفیع** - اجازه بفرمائید من تقاضا میکنم از آقای شهاب خسروانی که مخالفت خودشان را از آقای کریمی پس بگیرند (صحیح است)

رئیس - آقای شهاب خسروانی برای اینکه امتثال او امر دوستانه را کرده باشم چون در این چندروزه یکمدهای هم این تقاضا را از بنده کرده بودند قبول میکنم مشروط بر اینکه آقایان هم قبول بفرمایند مخالفت خودشان را پس بگیرند که زودتر مجلس وارد کارهای اساسی مملکت بشود (صحیح است) و اگر ماها صحبتی نمیکنیم یا ساکت هستیم دلیل ضعف ما البته نباشد (صحیح است)

رئیس - نظر با استرداد آقای شهاب خسروانی مخالفت خودشان را نسبت باعتبار نامه آقای کریمی اعتبارنامه نمایندگی آقای کریمی تصویب شد (نمایندگان مبارک است) **کریمی** - از حسن نظر آقایان بنده تشکر میکنم

(۴) اعلام تصویب نمایندگی آقای دکتر بقائی از طهران پس از استرداد کتبی بقائی

رئیس - تصور میکنم بعد از این اعتبارنامه آقای دکتر بقائی است از طهران مخالفین جناب آقای میراشرافی و جناب آقای عامری آقای عامری تشریف ندادند آقای نبوی فرمایشی دارید؟

نبوی - بنده خواستم استدعا کنم جناب آقای میراشرافی هم پس بگیرند تا اعتبارنامه ایشان از تهران مطرح و انشاءالله تصویب شود و البته وقتی تصویب شد دیگر مجال برای بحث اعتبارنامه ایشان از کرمان نیست آن قضیه مسکوت خواهد آمد زیرا از دو جا وکیل نخواهند شد بنا براین بنده تقاضا می کنم آقای میراشرافی صحبتشان را نکنند و پس بگیرند

رئیس - آقای مهندس رضوی اشرفی فرمایش خودشان را بفرمائید بنده عرض کنم **میراشرافی** - حضرات عالی اول **مهندس رضوی** - عرض مجلس رسیده بود که از جناب آقای دکتر بقائی تلگرافی استفسار شده بود خواستم که الان هم

بعرض آقایان برسانم که ایشان هم تلگرافی جواب داده اند و تسلیم نظریه مجلس هستند در این صورت البته بسته بنظر مجلس است که ایشان را از کرمان یا تهران با هر حوزه ای بکشند ترجیح میدهد بسته نمایندگی در کرمان هم تمهید دارند در مقابل موکدین شان و بنده تصور میکنم که اگر هم ایشان از تهران اعتبارنامه شان تصویب شود یعنی وکالت تهران ایشان تصویب شود از طرف مردم کرمان هم وکیل آن محل شناخته خواهند شد

رئیس - باید گزارش ایشان خوانده شود **میراشرافی** - بنده عرضی دارم **رئیس** - مخیر کیست؟ **خسرو قشقائی** - بنده مخیر هستم **فرامرزی** - اجازه بفرمائید که ایشان فرمایشی که دارند راجع با استرداد ایشان ملی رسیده بود گزارش شماه ۹

میراشرافی - اجازه بفرمائید که بنده بروم پشت تریبون **مخیر** (آقای قشقائی) - مقصود این است که جناب عالی پس بگیرند یا نه **رئیس** - آقای میراشرافی شما استرداد کردید؟ **میراشرافی** - استرداد نگردم بعد **مخیر** - این چه زحمتی است ببینید می

آقای خسرو قشقائی گزارش کمیسیون تحقیق اعتبارنامه آقای دکتر بقائی که مخالفت آقایان میراشرافی و عامری و اعتراض دکتر بقائی را است (صحیح است) و منظور ما این است که مجلس بعد از چهل و پنجاه روز هر چه زودتر وارد کار بشود و یک کاری بکنند **رئیس** - الان تهران مطرح است **میراشرافی** - کرمان را کنار گذاشتید بر تکلیف آن چه میشود **رئیس** - آقا من تکلیفم را بدهم **میراشرافی** - بنده یک توضیحی میگویم **رئیس** - نظر با استرداد آقای میراشرافی مخالفت نسبت به آقای دکتر بقائی اعتبارنامه را در مجلس شورای ملی بفرمائید

رئیس - مسلماً يك نماینده متعلق بیک حوزه است **میراشرافی** - پس دیگر ما کرمان قابل طرح نیست **(۵) طرح گزارش کمیسیون تحقیق راجع به نمایندگی آقای رفیع از طوالش و تصویب آن**

رئیس - آقای خسرو قشقائی (آقای خسرو قشقائی گزارش کمیسیون تحقیق راجع به تأیید نمایندگی آقای رفیع را از طوالش بشرح آتی قرائت نمودند) **کمیسیون** بانوجه باظهارات طرفین و

توجهات بیرونه اولاً تصمیم در مورد اظهار نظر شعبه چهارم را که مورد اعتراض آقای دکتر بقائی بود در صلاحیت خود تشخیص ندانیم بانوجه باظهارات معترض دیگر چون اعتبارنامه ۴ نفر از منتخبین تهران تصویب مجلس شورای ملی رسیده بود گزارش شماه ۹

در این گزارش شماه ۱۰ از شعبه پنجم با استحضار آقایان نمایندگان معترضین اعتبارنامه مذکور از طرف خود و سایر معترضین اعتراضات خود را بشرح زیر با استحضار کمیسیون رسانند؛

محل انجمن مرکزی حوزه انتخابیه طوالش در هشت پر می باشد انجمن برای اخذ رأی چهار صندوق در نقاط مختلفه در نظر میگیرند ولی محل صندوق دو حوزه گذشته عمل میشود نبوده است و با اینکه اهالی چندین بار تقاضا میکنند که سه روز محل این دو صندوق طبق سنوات ماضی تعیین گردد انجمن مرکزی موافقت نمی نماید ولی انجمن دستور میدهد صندوق مربوط به ماسوله که در محل سابق در نظر گرفته بودند سه روز در محل سابق و سه روز هم در اطراف گذارده شود و پس از آن از طرف انجمن مرکزی مدت اخذ رأی شش روز تعیین میگردد ولی در محل صندوق مرکزی دو ساعت با آخر وقت مانده باستناد اینکه اعضای انجمن میخواهند رأی دهند اخذ رأی را متوقف میکنند و در حوزه های دیگر هم در مدت معینه اقدام بتوزیع تفرقه واخذ رأی نشده ۰ مثلا در پونل اخذ رأی ۶ روز بوده در ماسوله ۵ روز (بعثت يك روز تأخیر در اخذ رأی) در مسائل ۴ روز و در مورد صندوق اخیر توضیح داده اند چون در دو روز آخر تعرفه نبوده بنابراین اخذ رأی نشده و با اینکه مردم کرا تقاضا نموده بودند که بتفرقه حوزه مذکور اضافه شود انجمن در مدت قانونی اقدام ننوده است و بلافاصله

رئیس - مسلماً يك نماینده متعلق بیک حوزه است **میراشرافی** - پس دیگر ما کرمان قابل طرح نیست **(۵) طرح گزارش کمیسیون تحقیق راجع به نمایندگی آقای رفیع از طوالش و تصویب آن**

رئیس - آقای خسرو قشقائی (آقای خسرو قشقائی گزارش کمیسیون تحقیق راجع به تأیید نمایندگی آقای رفیع را از طوالش بشرح آتی قرائت نمودند) **کمیسیون** بانوجه باظهارات طرفین و

توجهات بیرونه اولاً تصمیم در مورد اظهار نظر شعبه چهارم را که مورد اعتراض آقای دکتر بقائی بود در صلاحیت خود تشخیص ندانیم بانوجه باظهارات معترض دیگر چون اعتبارنامه ۴ نفر از منتخبین تهران تصویب مجلس شورای ملی رسیده بود گزارش شماه ۹

آراء را میخوانند اما جریان قرائت آراء بدین شرح بوده که فرماندار اول شب پایکی از طرفداران آقای رفیع باسلام میروند و دستور قرائت آراء را میدهند و بعد هم بیونل رفته باوجود مخالفت انجمن آراء آنها را هم تا ۵ بعد از نیمه شب استخراج و قرائت می نمایند گفته اند میخواهند صورت مجلس تقلبی برای محل اخیر بسازند ولی بخشدار موافقت نکرده است قبلاً هم آراء مسائل قرائت شده بوده و آقای رفیع در این چند صندوق با ۱۵ رأی برنده بوده اند مقارن ظهر صورت قرائت آراء ماسوله هم میرسد که آقای رفیع ۱۰۲ رأی داشته و کاندید دیگر ۶۶ رأی ولی انجمن چون وضع را چنین میبیند نيم ساعت بعد استعفا نموده و انتخابات اسالم و ماسوله و سایر شعب را با ابطال می نماید فرماندار موضوع را بطهران گزارش میکند و جریان تا ۱۴ روز متوقف میماند

و از تهران هم فرماندار دستور میدهند کاری کنید که انجمن مجدداً اقدام بکار نماید و انجمن هم ۱۴ روز بعد از استعفاء مجدداً وارد عمل می گردد و باز رسانی هم در این مدت بعمل میروند و انجمن از نظر ظاهر کار طبق مدارک بیرونه برای راه حل چند صورت مجلس میسازد در تمام این جریان نظر فرماندار له جناب آقای رفیع بوده و علناً بنفع ایشان مداخله نمیکند انجمن مرکزی پس از تشکیل مجدد آراء ماسوله را که قرائت شده بود و همچنین آراء انجمن مرکزی را با این که رأی دادن اعضاء انجمن در آخروقت دلیل صحت آن بوده ابطال می نماید و با اختلاف ۵ رأی نسبت بکاندید دیگر آقای رفیع را برنده می شناسد مطلب مهم اینجا است که اگر انجمن هر کاری جز ابطال آراء ماسوله نموده بود جناب آقای رفیع برنده نمیشدند و پس از این جریان اعلامی جهت وصول شکایات رسیدگی بان منتشر و در این مدت شکایات زیادی بدفتر انجمن واصل می گردیدند است گفته شومد موقعیکه انجمن مرکزی استعفا مینماید یک نفر از اعضای آن از استعفا خودداری و با چهار نفر عضو علی البدل پس از مراجعه فرمانداری تشکیل انجمن می دهند و انتخابات براد را دنبال مینمایند و چون انجمن اخیر خود را صالح می دانسته اعتبارنامه بنام آقای رامبد کاندید دیگر صادر نموده است ولی البته اعضاء فرماندار در ذیل این اعتبارنامه نیست ولی تاریخ صور آن ۸ روز قبل از تاریخ اعتبارنامه جناب آقای رفیع بود است

در خلال این مدت باز رسانی بعمل می روند کلیه گزارشات آنها علیه آقای رفیع و له کاندید دیگر شهرستان مزبور بوده است غیر از فرماندار که صد درصد بنفع جناب آقای رفیع اقدام می نموده سایر مأمورین عدم استحقاق ایشان را در شهرستان طوالش گزارش می دهند بانوجه بشرح فوق پایید گفت انتخابات طوالش باطل است یا برنده دیگری یعنی آقای رامبد است

آقای زهری معترض دیگر آقای رفیع بیانات آقای مهندس حسینی را تأیید و اضافه کردند تا روزیکه نتیجه معلوم نشده بود فرماندار گزارش می داده که اوضاع محل امن و آمان است ولی وقتی که می خواسته است نتیجه انتخابات معلوم گردد ایشان گزارش داده اند مخالفین آقای رفیع که يك عده اجامروا و باش تودهای هستند وسیله نامنی شهر را فراهم کرده اند و با اینکه انجمن مرکزی تا آخر وقت روز اخذ رأی صحت صندوق مرکزی را تأیید مینموده ولی بنده که متوجه میشود مجموعه آراء مذکور بنفع آقای رفیع نیست آنرا خواننده ابطال می نماید

سپس اورا قی که عده ای از اهالی توسط آقای رفیع تقدیم کمیسیون نموده بودند و ایشان مراتب اوراق مزبور را از طرف خود تأیید کردند در جواب اعتراضات آقای مهندس حسینی و آقای زهری مورد رسیدگی و توجه قرار گرفت مطالب اوراق مذکور مبنی بر این بود که در بعضی حوزه ها بوسیله تهید و تطبیع و تحیل بنفع کاندید دیگر اقدام باخذ رأی شده و صحنه سازی دل بر بر اینکه کاندید دیگر این شهرستان بنا براده مقاماتی باید انتخاب شوند انجام یافته و رئیس زندان مری که از رفقای صمیمی کاندید دیگر بوده نهایت انجمن مرکزی پس از تشکیل مجدد آراء ماسوله را که قرائت شده بود و همچنین آراء انجمن مرکزی را با این که رأی دادن اعضاء انجمن در آخروقت دلیل صحت آن بوده ابطال می نماید و با اختلاف ۵ رأی نسبت بکاندید دیگر آقای رفیع را برنده می شناسد مطلب مهم اینجا است که اگر انجمن هر کاری جز ابطال آراء ماسوله نموده بود جناب آقای رفیع برنده نمیشدند و پس از این جریان اعلامی جهت وصول شکایات رسیدگی بان منتشر و در این مدت شکایات زیادی بدفتر انجمن واصل می گردیدند است گفته شومد موقعیکه انجمن مرکزی استعفا مینماید یک نفر از اعضای آن از استعفا خودداری و با چهار نفر عضو علی البدل پس از مراجعه فرمانداری تشکیل انجمن می دهند و انتخابات براد را دنبال مینمایند و چون انجمن اخیر خود را صالح می دانسته اعتبارنامه بنام آقای رامبد کاندید دیگر صادر نموده است ولی البته اعضاء فرماندار در ذیل این اعتبارنامه نیست ولی تاریخ صور آن ۸ روز قبل از تاریخ اعتبارنامه جناب آقای رفیع بود است

در این گزارش شماه ۱۰ از شعبه پنجم با استحضار آقایان نمایندگان معترضین اعتبارنامه مذکور از طرف خود و سایر معترضین اعتراضات خود را بشرح زیر با استحضار کمیسیون رسانند؛

محل انجمن مرکزی حوزه انتخابیه طوالش در هشت پر می باشد انجمن برای اخذ رأی چهار صندوق در نقاط مختلفه در نظر میگیرند ولی محل صندوق دو حوزه گذشته عمل میشود نبوده است و با اینکه اهالی چندین بار تقاضا میکنند که سه روز محل این دو صندوق طبق سنوات ماضی تعیین گردد انجمن مرکزی موافقت نمی نماید ولی انجمن دستور میدهد صندوق مربوط به ماسوله که در محل سابق در نظر گرفته بودند سه روز در محل سابق و سه روز هم در اطراف گذارده شود و پس از آن از طرف انجمن مرکزی مدت اخذ رأی شش روز تعیین میگردد ولی در محل صندوق مرکزی دو ساعت با آخر وقت مانده باستناد اینکه اعضای انجمن میخواهند رأی دهند اخذ رأی را متوقف میکنند و در حوزه های دیگر هم در مدت معینه اقدام بتوزیع تفرقه واخذ رأی نشده ۰ مثلا در پونل اخذ رأی ۶ روز بوده در ماسوله ۵ روز (بعثت يك روز تأخیر در اخذ رأی) در مسائل ۴ روز و در مورد صندوق اخیر توضیح داده اند چون در دو روز آخر تعرفه نبوده بنابراین اخذ رأی نشده و با اینکه مردم کرا تقاضا نموده بودند که بتفرقه حوزه مذکور اضافه شود انجمن در مدت قانونی اقدام ننوده است و بلافاصله

آقای رفیع تقدیم کمیسیون نمودند و ایشان مراتب اوراق مزبور را از طرف خود تأیید کردند در جواب اعتراضات آقای مهندس حسینی و آقای زهری مورد رسیدگی و توجه قرار گرفت مطالب اوراق مذکور مبنی بر این بود که در بعضی حوزه ها بوسیله تهید و تطبیع و تحیل بنفع کاندید دیگر اقدام باخذ رأی شده و صحنه سازی دل بر بر اینکه کاندید دیگر این شهرستان بنا براده مقاماتی باید انتخاب شوند انجام یافته و رئیس زندان مری که از رفقای صمیمی کاندید دیگر بوده نهایت انجمن مرکزی پس از تشکیل مجدد آراء ماسوله را که قرائت شده بود و همچنین آراء انجمن مرکزی را با این که رأی دادن اعضاء انجمن در آخروقت دلیل صحت آن بوده ابطال می نماید و با اختلاف ۵ رأی نسبت بکاندید دیگر آقای رفیع را برنده می شناسد مطلب مهم اینجا است که اگر انجمن هر کاری جز ابطال آراء ماسوله نموده بود جناب آقای رفیع برنده نمیشدند و پس از این جریان اعلامی جهت وصول شکایات رسیدگی بان منتشر و در این مدت شکایات زیادی بدفتر انجمن واصل می گردیدند است گفته شومد موقعیکه انجمن مرکزی استعفا مینماید یک نفر از اعضای آن از استعفا خودداری و با چهار نفر عضو علی البدل پس از مراجعه فرمانداری تشکیل انجمن می دهند و انتخابات براد را دنبال مینمایند و چون انجمن اخیر خود را صالح می دانسته اعتبارنامه بنام آقای رامبد کاندید دیگر صادر نموده است ولی البته اعضاء فرماندار در ذیل این اعتبارنامه نیست ولی تاریخ صور آن ۸ روز قبل از تاریخ اعتبارنامه جناب آقای رفیع بود است

در خلال این مدت باز رسانی بعمل می روند کلیه گزارشات آنها علیه آقای رفیع و له کاندید دیگر شهرستان مزبور بوده است غیر از فرماندار که صد درصد بنفع جناب آقای رفیع اقدام می نموده سایر مأمورین عدم استحقاق ایشان را در شهرستان طوالش گزارش می دهند بانوجه بشرح فوق پایید گفت انتخابات طوالش باطل است یا برنده دیگری یعنی آقای رامبد است

آقای زهری معترض دیگر آقای رفیع بیانات آقای مهندس حسینی را تأیید و اضافه کردند تا روزیکه نتیجه معلوم نشده بود فرماندار گزارش می داده که اوضاع محل امن و آمان است ولی وقتی که می خواسته است نتیجه انتخابات معلوم گردد ایشان گزارش داده اند مخالفین آقای رفیع که يك عده اجامروا و باش تودهای هستند وسیله نامنی شهر را فراهم کرده اند و با اینکه انجمن مرکزی تا آخر وقت روز اخذ رأی صحت صندوق مرکزی را تأیید مینموده ولی بنده که متوجه میشود مجموعه آراء مذکور بنفع آقای رفیع نیست آنرا خواننده ابطال می نماید

سپس اورا قی که عده ای از اهالی توسط آقای رفیع تقدیم کمیسیون نموده بودند و ایشان مراتب اوراق مزبور را از طرف خود تأیید کردند در جواب اعتراضات آقای مهندس حسینی و آقای زهری مورد رسیدگی و توجه قرار گرفت مطالب اوراق مذکور مبنی بر این بود که در بعضی حوزه ها بوسیله تهید و تطبیع و تحیل بنفع کاندید دیگر اقدام باخذ رأی شده و صحنه سازی دل بر بر اینکه کاندید دیگر این شهرستان بنا براده مقاماتی باید انتخاب شوند انجام یافته و رئیس زندان مری که از رفقای صمیمی کاندید دیگر بوده نهایت انجمن مرکزی پس از تشکیل مجدد آراء ماسوله را که قرائت شده بود و همچنین آراء انجمن مرکزی را با این که رأی دادن اعضاء انجمن در آخروقت دلیل صحت آن بوده ابطال می نماید و با اختلاف ۵ رأی نسبت بکاندید دیگر آقای رفیع را برنده می شناسد مطلب مهم اینجا است که اگر انجمن هر کاری جز ابطال آراء ماسوله نموده بود جناب آقای رفیع برنده نمیشدند و پس از این جریان اعلامی جهت وصول شکایات رسیدگی بان منتشر و در این مدت شکایات زیادی بدفتر انجمن واصل می گردیدند است گفته شومد موقعیکه انجمن مرکزی استعفا مینماید یک نفر از اعضای آن از استعفا خودداری و با چهار نفر عضو علی البدل پس از مراجعه فرمانداری تشکیل انجمن می دهند و انتخابات براد را دنبال مینمایند و چون انجمن اخیر خود را صالح می دانسته اعتبارنامه بنام آقای رامبد کاندید دیگر صادر نموده است ولی البته اعضاء فرماندار در ذیل این اعتبارنامه نیست ولی تاریخ صور آن ۸ روز قبل از تاریخ اعتبارنامه جناب آقای رفیع بود است

طوالش استعفا داد و صندوق‌ها را باطل کرد و آقای فرماندار همان فرمانداری که این گزارشات را میداد که انتخابات آزاد است و امن و امان است هر کسی مطابق میلش میتواند رأی بدهد هیچکس مزاحم هیچکس نیست آزادی کامل آزادی حقیقی برقرار است همان فرماندار وقتی دید جریان کار بی‌وقفه می‌رود مطلوبش نیست گزارش داد تا آنکه رسید استعفا ایجنجر وزارت کشور هم گزارش را به هیأت مشاوره انتخابات مراجعه کرده هیأت مشاوره انتخابات در رد مورد اظهار نظر کرد یکی اینکه بنظر هیأت در صورتیکه اعضای انجمن اصلی بر استعفا و استنکاف خود اصرار ورزند و نشود آنان را بانجام وظیفه متقاعد نمود و بواسطه استعفا ۵ نفر اعضای علی‌البدل نشود عده اصلی را انتخاب و تکمیل نمود با استفاده از ماده ۱۷ قانون انتخابات به تجدید انتخابات انجمن نظارت بر طبق مقررات باید مبادرت بعمل بیاید در تاریخ ۲۸/۳/۳۰۲۱ یعنی ۵ روز بعد از استعفا اعضای انجمن مرکزی همان آقای فرماندار مجدداً گزارش مفصلی داد که از خواندن آن صرف نظر می‌کنم در یک مورد دیگر باز هم همان هیأت مشاوره انتخابات یک نظر دیگری دارد عفا بنامه فرماندار طوالش اشعار میدارد در مورد استعفا انجمن اصلی و امضای علی‌البدل نظر هیأت مشاوره طبق نامه ۳۰۲۱/۳۰۲۱ اعلام گردیده و در خصوص ابطال که مورد سؤال قرار گرفته چون جریان امر انتخابات در حدود قانون تابع تصمیمات انجمن نظارتی است که مسئول انتخابات است هر تصمیمی که از ناحیه انجمن مزبور اعلام شود نافذ است ولی تشخیص تأثیر یا عدم تأثیر آن با مجلس شورای ملی است تاریخ ۱۳/۳/۳۰۲۱ یعنی تحقیقات ۹ روز بعد از استعفا تمام آن آقایانی که تا امروز می‌گفتند و پرونده اش هم حاکی است و حاضر است که اوضاع مرتب و امن و امان برقرار است یکمدهای بودند شکایات میکردند که تهدید و تشویع و از این قبیل چیزها است و یکمده دیگر بودند که فرمایشات آقای فرماندار را تأیید میکردند که امن و امان است و عمل خلافی هم نشده است تمام این‌ها از آنروز بعد مطرفدار ابطال انتخابات بودند و تلگرافاتی میکنند که انتخابات آنجا باید تجدید شود ولی بعد از چند روزی مشاهده بعضی سستی‌ها در مرکز این آقایانی که استفاده بودند بعد از ۱۴ روز جمع میشوند بطور خلاصه بهشان گفتند که کمی به کمی بیایند بنشینید بعد از ۱۴ روز عوض اینکه همه را باطل کنند و استعفا بدهند و بعضی هاسؤال کردند که بیایید و بیامدند طبق ماده ۱۷ و ۱۹ قانون انتخابات وقتی که مسلم شد ایشان که موضوع چه قرار است آمدند و نشستند ۳ صندوق را قبول کردند و یک صندوق خوانده شده را باطل کردند و صندوق مرکزی را که شرافت این انجمن مرکزی در گروش بود

و خودشان رأی داده بودند نخوانده باطل کردند بنده یک نفر حقوقدان نیستم که بتوانم اظهار نظر کنم که این عمل تا چه حد با قانون تطبیق میکند که مورد بحث قرار دهیم چیزی که مسلم و یقین است و هیچ تردیدی درش نیست این است که آقایان طوالشی‌ها که خدمت آقای رفیع میرسد در این جاعرض می‌کنند که شادو آنجا زمینه انتخاباتی دارند خدمتشان دروغ عرض میکنند این‌ها شخصی هستند که خدمت آقای رفیع میرسد و از مقام و احترامشان سوءاستفاده میکنند و ایشان را در این مراحل آزار دهنده قرار میدهند مردم طالش بنده با چند نفرشان خودم یک مختصر آشنا هستم ساده‌ترین فرد را گالش میگویند و این افراد گالش خیلی ساده اند (دادور - گالش باطالش فرق دارد) فرقی نمیکند این پرونده نشان می‌دهد که دهاتی‌های ساده این دهاتی‌هایی که همیشه جز آن‌ها نشان اسمی نمی‌شناختند این دفعه که شنیدند انتخابات آزاد است خواستند یک نفر دیگری انتخاب کنند آقای رفیع را خواستند انتخاب کنند یک دلیل دیگر هم هست در آنجا هر رئیس اداره‌ای خود را همراه آقای رفیع معرفی میکنند هر چه دزد و قطاع‌الطریق آنجا است خودش راحت الحیاة آقای رفیع معرفی می‌کنند - چپاول گر آنجا است تحت حمایت جناب آقای رفیع قرار دارند اشخاصی هستند که عامل انتخاباتی ایشان هستند فلان رئیس اداره که ۱۵ سال است در آنجا است نمیگویم بد میکند فلان میکند کاری هم نمیکند یک رئیس اداره در طولش اصلاح کارش را نمیکند ولی هیچکس جرأت ندارد او را از آنجا عوض کند مردم می‌پرسند چرا؟ میگویند از این شخص حمایت میکند فلانکس دزدی کرده پرونده قتل دارد در داد گسرتی پرونده دارد ولی تعقیب نمیشود می‌پرسند چرا؟ میگویند آقای رفیع از او حمایت میکند خوب مردم از این آقای رفیع بدشان می‌آید مرد که طلبکار است می‌رود اجرائیه صادر کند اداره ثبت می‌گوید برای فلانکس اجرائیه صادر نمی‌کنیم می‌گوید چرا؟ جواب میدهند برای اینکه این آقای رفیع که مدیون است از هواداران آقای رفیع است فلانکس می‌رود آنجا از رودخانه ماهی بگیرد از طرف فلان خان از ماهی که از توی رودخانه می‌گیرد باج میگیرند باجه زوری؟ بازور آقای رفیع، همه چیز آنجا ندانم واقعا اینطور است آقای رفیع حضرتعالی که هیچوقت تشریف نبردید آنجا که به بینید (رفیع - آقای بقدری در صحبت‌های خودتان اگر تحقیق میکردید بهتر بود) تحقیق کردم اما جناب عالی که تشریف نبردید آنجا، این يك خلاصه خیلی مختصری بود از مطالبی که بنده تهیه کرده بودم يك خلاصه بسیار بسیار مختصر و سرتوته

نمیشود این را چسباند (خسروشقیانی - جز با سریشم مجلس) و گفت که حقی برای مردم آنجا قائل شدند بلکه حق مردم آنجا را باطل کردند شاید اگر در آنجا يك خوردن مطابق قانون رفتار میکردند جناب آقای رفیع واقعا رأی می‌آوردند حتی شاید اگر صندوق هشت پیرا الان بخوانند این صندوق هشت پیر که تحت نظر انجمن مرکزی پر شده موجود است حفظ شده است اگر این را بخوانند شاید انتخاب جناب آقای قائم مقام الملك رفیع در اینجا صورت قانونی پیدا میکند اینها این ریسک را قبول نکردند دیدند سه صندوق را خوانده‌اند و باین سه صندوق انتخابات را برده‌اند دیگر چه لزومی دارد این عمل از طرف انجمن مرکزی دلیل بر بزرگترین سوءنیت این انجمن است و بنده اگر اجازه داشتم به آقایانی که بزرگترین هستند توصیه میکردم که پیشنهادی تهیه بفرمایند که این انتخابات چون جریانش خراب بوده باطل شود و دو مرتبه انتخابات انجام گیرد و انشاءالله دفعه دیگر آقای رفیع محترمانه تشریف بیاورند همانطور که در تمام دوره‌های گذشته تشریف داشتند و يك تقاضای شخصی هم دارم آقایانی که نسبت به اعتبارنامه من مخالفت کرده‌اند مخالفتشان را پس نگیرند و هر چه هم دارند بگویند

رئیس آقای رفیع - آقای فرامرزی صحبت خواهند کرد ولی بقیه بنده يك اشخاص مغرضی این آقایا را به اشتباه انداخته اند و باین آقایا صحبت هائی کرده اند که با کمال بی‌غرضی تحت تأثیر آنها واقع شده اند شخصیت مرا اهالی میدانند يك آدمی که طرفدار ظالم است در طهران هم طرفدار ظالم خواهد بود نه تنها آنجا کمک میکند اینجا هم کمک می‌کند من همیشه طرفدار عدالت بودم (صحیح است) تمام وزرائی که در طهران هستند اگر يك وزیر پیدا شد و گفت که من از يك مستخدمی حمایت کردم تمام این حرفها درست است يك چیز هائی بهم نسبت می‌دهند آن یکی دیگری را دزد میدانند از روز اولی که و کالت در طالش شروع شد از دوره چهارم اول و کیل من بودم من بجائی نمیروم در خانه خودم نشسته اموزان کشور دکترا مصدق السلطنه بمن کاغذ می‌نویسد آیا قبول میکنید یا قبول نمیکند من به او جواب میدهم قبول میکنم حالا انتخابات چه جور بوده و انجمن چه کرده قانون انتخابات را عوض کنید من قبول میکنم اما وقتی که انتخابات شروع شد و خواستند انتخابات را عوض کنند انجمن اختیار نداشته و از این قبیل حرفها من که حرفی نداشته ام این قبیل حرفها جز اینکه اشخاص را از خدمتگذاری باز دارد فایده‌ای

نمیشود این را چسباند (خسروشقیانی - جز با سریشم مجلس) و گفت که حقی برای مردم آنجا قائل شدند بلکه حق مردم آنجا را باطل کردند شاید اگر در آنجا يك خوردن مطابق قانون رفتار میکردند جناب آقای رفیع واقعا رأی می‌آوردند حتی شاید اگر صندوق هشت پیرا الان بخوانند این صندوق هشت پیر که تحت نظر انجمن مرکزی پر شده موجود است حفظ شده است اگر این را بخوانند شاید انتخاب جناب آقای قائم مقام الملك رفیع در اینجا صورت قانونی پیدا میکند اینها این ریسک را قبول نکردند دیدند سه صندوق را خوانده‌اند و باین سه صندوق انتخابات را برده‌اند دیگر چه لزومی دارد این عمل از طرف انجمن مرکزی دلیل بر بزرگترین سوءنیت این انجمن است و بنده اگر اجازه داشتم به آقایانی که بزرگترین هستند توصیه میکردم که پیشنهادی تهیه بفرمایند که این انتخابات چون جریانش خراب بوده باطل شود و دو مرتبه انتخابات انجام گیرد و انشاءالله دفعه دیگر آقای رفیع محترمانه تشریف بیاورند همانطور که در تمام دوره‌های گذشته تشریف داشتند و يك تقاضای شخصی هم دارم آقایانی که نسبت به اعتبارنامه من مخالفت کرده‌اند مخالفتشان را پس نگیرند و هر چه هم دارند بگویند

رئیس آقای رفیع - آقای فرامرزی صحبت خواهند کرد ولی بقیه بنده يك اشخاص مغرضی این آقایا را به اشتباه انداخته اند و باین آقایا صحبت هائی کرده اند که با کمال بی‌غرضی تحت تأثیر آنها واقع شده اند شخصیت مرا اهالی میدانند يك آدمی که طرفدار ظالم است در طهران هم طرفدار ظالم خواهد بود نه تنها آنجا کمک میکند اینجا هم کمک می‌کند من همیشه طرفدار عدالت بودم (صحیح است) تمام وزرائی که در طهران هستند اگر يك وزیر پیدا شد و گفت که من از يك مستخدمی حمایت کردم تمام این حرفها درست است يك چیز هائی بهم نسبت می‌دهند آن یکی دیگری را دزد میدانند از روز اولی که و کالت در طالش شروع شد از دوره چهارم اول و کیل من بودم من بجائی نمیروم در خانه خودم نشسته اموزان کشور دکترا مصدق السلطنه بمن کاغذ می‌نویسد آیا قبول میکنید یا قبول نمیکند من به او جواب میدهم قبول میکنم حالا انتخابات چه جور بوده و انجمن چه کرده قانون انتخابات را عوض کنید من قبول میکنم اما وقتی که انتخابات شروع شد و خواستند انتخابات را عوض کنند انجمن اختیار نداشته و از این قبیل حرفها من که حرفی نداشته ام این قبیل حرفها جز اینکه اشخاص را از خدمتگذاری باز دارد فایده‌ای

نمیشود این را چسباند (خسروشقیانی - جز با سریشم مجلس) و گفت که حقی برای مردم آنجا قائل شدند بلکه حق مردم آنجا را باطل کردند شاید اگر در آنجا يك خوردن مطابق قانون رفتار میکردند جناب آقای رفیع واقعا رأی می‌آوردند حتی شاید اگر صندوق هشت پیرا الان بخوانند این صندوق هشت پیر که تحت نظر انجمن مرکزی پر شده موجود است حفظ شده است اگر این را بخوانند شاید انتخاب جناب آقای قائم مقام الملك رفیع در اینجا صورت قانونی پیدا میکند اینها این ریسک را قبول نکردند دیدند سه صندوق را خوانده‌اند و باین سه صندوق انتخابات را برده‌اند دیگر چه لزومی دارد این عمل از طرف انجمن مرکزی دلیل بر بزرگترین سوءنیت این انجمن است و بنده اگر اجازه داشتم به آقایانی که بزرگترین هستند توصیه میکردم که پیشنهادی تهیه بفرمایند که این انتخابات چون جریانش خراب بوده باطل شود و دو مرتبه انتخابات انجام گیرد و انشاءالله دفعه دیگر آقای رفیع محترمانه تشریف بیاورند همانطور که در تمام دوره‌های گذشته تشریف داشتند و يك تقاضای شخصی هم دارم آقایانی که نسبت به اعتبارنامه من مخالفت کرده‌اند مخالفتشان را پس نگیرند و هر چه هم دارند بگویند

نمیشود این را چسباند (خسروشقیانی - جز با سریشم مجلس) و گفت که حقی برای مردم آنجا قائل شدند بلکه حق مردم آنجا را باطل کردند شاید اگر در آنجا يك خوردن مطابق قانون رفتار میکردند جناب آقای رفیع واقعا رأی می‌آوردند حتی شاید اگر صندوق هشت پیرا الان بخوانند این صندوق هشت پیر که تحت نظر انجمن مرکزی پر شده موجود است حفظ شده است اگر این را بخوانند شاید انتخاب جناب آقای قائم مقام الملك رفیع در اینجا صورت قانونی پیدا میکند اینها این ریسک را قبول نکردند دیدند سه صندوق را خوانده‌اند و باین سه صندوق انتخابات را برده‌اند دیگر چه لزومی دارد این عمل از طرف انجمن مرکزی دلیل بر بزرگترین سوءنیت این انجمن است و بنده اگر اجازه داشتم به آقایانی که بزرگترین هستند توصیه میکردم که پیشنهادی تهیه بفرمایند که این انتخابات چون جریانش خراب بوده باطل شود و دو مرتبه انتخابات انجام گیرد و انشاءالله دفعه دیگر آقای رفیع محترمانه تشریف بیاورند همانطور که در تمام دوره‌های گذشته تشریف داشتند و يك تقاضای شخصی هم دارم آقایانی که نسبت به اعتبارنامه من مخالفت کرده‌اند مخالفتشان را پس نگیرند و هر چه هم دارند بگویند

- ۷ - تعیین موقع و در دستور جلسه بعد ختم جلسه**
رئیس - جلسه را ختم میکنیم جلسه آینده روز یکشنبه اول تیر دستور بقیه (مجلس یکساعت و بیست دقیقه بعد از ظهر ختم شد)
رئیس مجلس شورای ملی - اورنگ

اهری - فتعلی افشار - پارسا - موسوی میراشرفی - کهید - مشار - حاج سیدجوادی د کتر فلسفی - کریمی - اخگر - احمد فرامرزی نبوی - اقبال - مصدقی - پورسرتیپ د کتر طاهری - جواد عامری - ذکائی - د کتر - مصباح زاده - زهری - شاپوری - ناظرزاده مهندس رضوی - افشار صادقی - شادلو شوکتی - و کیل پور - معتمد دماوندی - ریگی شهاب خسروانی - جلیلی - د کتر فقیهی شیرازی - دادور - صراف زاده - تولیت امیرافشاری - هدی - مدرس - شبستری - اورنگ - نجفی - غروی - د کتر فاخر (پس از شماره آراء مأخوزه ۵۳ ورقه سفید موافق و دو ورقه کبود مخالف و دو ورقه سفیدی اسم شماره شد)

اهری - فتعلی افشار - پارسا - موسوی میراشرفی - کهید - مشار - حاج سیدجوادی د کتر فلسفی - کریمی - اخگر - احمد فرامرزی نبوی - اقبال - مصدقی - پورسرتیپ د کتر طاهری - جواد عامری - ذکائی - د کتر - مصباح زاده - زهری - شاپوری - ناظرزاده مهندس رضوی - افشار صادقی - شادلو شوکتی - و کیل پور - معتمد دماوندی - ریگی شهاب خسروانی - جلیلی - د کتر فقیهی شیرازی - دادور - صراف زاده - تولیت امیرافشاری - هدی - مدرس - شبستری - اورنگ - نجفی - غروی - د کتر فاخر (پس از شماره آراء مأخوزه ۵۳ ورقه سفید موافق و دو ورقه کبود مخالف و دو ورقه سفیدی اسم شماره شد)

اهری - فتعلی افشار - پارسا - موسوی میراشرفی - کهید - مشار - حاج سیدجوادی د کتر فلسفی - کریمی - اخگر - احمد فرامرزی نبوی - اقبال - مصدقی - پورسرتیپ د کتر طاهری - جواد عامری - ذکائی - د کتر - مصباح زاده - زهری - شاپوری - ناظرزاده مهندس رضوی - افشار صادقی - شادلو شوکتی - و کیل پور - معتمد دماوندی - ریگی شهاب خسروانی - جلیلی - د کتر فقیهی شیرازی - دادور - صراف زاده - تولیت امیرافشاری - هدی - مدرس - شبستری - اورنگ - نجفی - غروی - د کتر فاخر (پس از شماره آراء مأخوزه ۵۳ ورقه سفید موافق و دو ورقه کبود مخالف و دو ورقه سفیدی اسم شماره شد)

اهری - فتعلی افشار - پارسا - موسوی میراشرفی - کهید - مشار - حاج سیدجوادی د کتر فلسفی - کریمی - اخگر - احمد فرامرزی نبوی - اقبال - مصدقی - پورسرتیپ د کتر طاهری - جواد عامری - ذکائی - د کتر - مصباح زاده - زهری - شاپوری - ناظرزاده مهندس رضوی - افشار صادقی - شادلو شوکتی - و کیل پور - معتمد دماوندی - ریگی شهاب خسروانی - جلیلی - د کتر فقیهی شیرازی - دادور - صراف زاده - تولیت امیرافشاری - هدی - مدرس - شبستری - اورنگ - نجفی - غروی - د کتر فاخر (پس از شماره آراء مأخوزه ۵۳ ورقه سفید موافق و دو ورقه کبود مخالف و دو ورقه سفیدی اسم شماره شد)